چونکه در امر حق تبارک است

در بیان ناقضات وضو

در هدایه و غیرها مذکور
وضو ناقض است ای اشباه
ریح خون شد روان ز جرح [illegible]
یعنی در مذهب امام زفر
وز محمد امام دیده ور است
لیک نگذاشت از پی و اگر
در خزانه صحیح این اقوال
شد بلند انتفاخ ساز دخول
چونکه آید ز زیر تا بالا
گشت ناقض بلا تخلف وی
نزد اصحاب شافعیه رقی
قی بآن حد رسید ناقض دان
متقی احتیاط پیش آرد
حوت را احتیاط خود فهمد
سبب او بود ز یک غشیان
نزد یعقوب بر خلاف او است
از محمد بکثرت خواهد
داند آنکه نجس چنین باشد
بو المحارم نوشته آن الکریم

بلکه اینها تلمذ او است
بعد از ان نقض و نحو است سوال
بیخ جالان روش کور
اگر سیلان نکرد از زند و
نزد بو هر سه منتقض شکل
لیک از ذکر جنبت سیلان خون
یکروایت موافق زفر است
یعنی این خون نوشته شیبان
غیر ناقض نوشت در انجیل
لیک از زیر ادن شد سیلان
در هدایه نیز قاضیخان
در هدایه وقایه غیرها
غیر ناقض بود کم هر دو
لیک نزد زفر پر اندک
هم بتقوی خود همی نازد
قی که آید ز دهان کم
جمع باز شود چو پیر دهان
سبب او یکیست یا دیگر است
از برای طهارت آب کلی
مستعمل پیر دهان [illegible]
نزد بعض ائمه عالم

خارش جانه فتنه ز لوث
گوی بهر که ذوق دارد تام
آنچه بیرون آید از زود
اینکه ظاهر نگشت در وضو
شیخ ساز وقایه کرد رجوع
گشت ناقض همین که گر برون
شد بلند او ز زیر جرح اگر
منتقض قول بر همین [illegible]
هست در قاضیخان بآن همین
هست ناقض تو فتوی بر این
اگر چه ظاهر نگشت با [illegible]
در جمیع کتابهای ما
نزد اصحاب ما پیری دهان
بوضو ناقض است او بشک
هر که از ذکر دل [illegible]
که پیری دهان رسید آنهم
وز محمد نقض وضو است
مختلف واحدست معتبر است
چونکه در احتیاط [illegible]
اختلاف روایت بوی
زود ترغشاء در اول [illegible]

بالتکلف

بالتکلف نکاح نتوان کرد
نزد بعض امام بود کم
نیز در بعض نسخه این است
ذکر شد در کتاب قاضیخان
بیقین گفت ناقض است این [illegible]
نقض اول رفیق را [illegible]
نیز هم ناقض اگر بازد
آنچه با دیگر از قبل آید
حکم بر ناقض براد رحی
باد شیکه مفضات است
مستحب است زود خوکردن
حضرت سید او یاد کیش
شده باشد پیش [illegible]
لیک این هست مقصد انجیل
در نهایه نوشته احتمال
شد مفضات به طلاق اگر
او نکرد حلال شوی قبل
زاحتمال که آمدست تا زن
نه حلالست وطی کردن او
بعد از ان قاضیخان نیکو
یعنی از پیش حکم او چه باد

یا بود تابع کلام بهان
گر زیاده بود ز نصف فی
با مشقت نکاح نتوان کرد
یعنی در نزد حضرت الشان
صاحب مختصر شریعت طی
شرح کرد با وجوابی
در نهایه چنین بیان کرده
حکم بر ناقض نمیشاید
آنچه مذکور شد ز قاضیخان
گفت ابو حفص منتقض وضو است
قول بو حفص احتیاط است
ذکر کرد است در کتاب خویش
این مفضات هست در قول
هر آنچه روایت اول
نیز اندر صلوه مسعود
جو بالا زند با شوی دیگر
گفت در شرح خویش شمس الدین
رفته باشد بر قبل [illegible]
بهمان احتمال شد مذکور
گفت در باب ناقضات وضو
آید از دود از زن مرد

نزد بعضی است آن دبار
در کتاب خلاصه تعیین است
قول مختار این بود مرد
قی اگر خون بود اگر چه کم
هم نوشته شارح طحاوی
حکم بر نقضش باید کرد
بزبان صحیح آورده
یکروایت مگر ز ابن [illegible]
نیز در چند نسخه کلان
قول کرخی و [illegible] براد
در هدایه بقول کرخی [illegible]
این مفضات باشد آن [illegible]
شده واحد طریق بول
حرف شود هست ای [illegible]
بنوشته اند تا بود سود
تا نکرد ز شوی خانه حمل
در کتاب الکراهیت بیقین
اصل زن این چنین شود با شو
با ذکور مؤید [illegible]
زن مفضات دود [illegible]
حکم بر نقضش باید کرد

آلت ۴

Copyright © King Saud University